

## مسئله زبان در هند

بند یکم ماده ۳۴۳ قانون اساسی جمهوری هندوستان میگوید .  
 « زبان رسمی اتحادیه [هند] زبان هندی بکتابت دواناگاری خواهد بود ... »  
 و در بند دوم همان ماده افزوده شده است : « باوجود مقررات بندیکم ، زبان انگلیسی برای مدت پانزده سال از تاریخ شروع [اجرای] این قانون اساسی برای همه گونه مقاصد رسمی بکار خواهد رفت (۱) » عبارت روشن تر ، ماده حکم میکند که پانزده سال پس از تاریخ قطعیت قانون اساسی هند ، زبان انگلیسی باید جای خود را بزبان هندی بدهد . قانون اساسی هندوستان در ماه نوامبر سال ۱۹۴۹ بتصویب مجلس موسسان آن کشور رسید و از اینرو قانونا سال ۱۹۶۵ را باید پایان دوره رواج رسمی زبان انگلیسی در هندوستان دانست آیا زبان هندی بآن پایه رشد یافته است که نیازهای اجتماعی سراسر هندوستان را برآورد؟ اگر بناست که یک زبان ملی برای سراسر هندوستان معین شود ، چرا از میان زبانهای پرشماره و گوناگون آنکشور باید زبان هندی را برگزید ؟ این دو پرسش جلوه هائی از یک مسأله مهم اجتماعی و سیاسی است که امروزه ، بانزدیک شدن سال ۱۹۶۵ ، هراسی دردل اندیشمندان هندی برانگیخته است .

درباره پرسش نخست باید گفت که بیدرنگ پس از تصویب قانون اساسی هند ، دو هیئت مامور تحقیق در باره امکان جایگزین کردن زبان هندی شد . گزارش هیئت نخستین که در تابستان سال گذشته نشر یافت رویهمرفته امکان و لزوم این جایگزینی را تأیید کرد و بر دولت هندوستان خرده گرفت که چرا گامهای تند و محکم تری در راه آن برنداشته است . اما همین گزارش اعتراف کرد که زبان هندی نمیتواند بنحو کامل جای انگلیسی را بگیرد مگر آنکه ۲۵۰ هزار واژه و اصطلاح تازه فنی و صنعتی هندی ساخته شود . بنظر نویسندگان گزارش ، چنین کاری رامیتوان تا سال ۱۹۶۰ پایان رساند . هیئت های «واژه سازی» که باین منظور کار کرده اند ، توانسته اند

تاکنون... ۳۵۰ اصطلاح و واژه فنی بسازند. اما شنیدنی است که هنگامیکه سال گذشته دولت شوروی جزوه ای در باره مشخصات فنی هواپیمای نوع «ایلیوشین ۱۴» (Ilyushin-14) بابکار بردن همین واژه های نوساز برای شرکت های هواپیمائی هندی فرستاد، مطالب آن برای کارشناسان هندی یکسره نامفهوم بود و لازم آمد که جزوه را بزبان انگلیسی ترجمه کنند! (۱) اینگونه نمونه ها مایه آن شده است که گروهی از دانشمندان و زبانشناسان هندی زبان هندی را برای بیان معانی فنی و حتی سیاسی، زبانی نارسا بشمارند. (۲)

و اما نکته دوم، یعنی برتری زبان هندی بر زبانهای دیگر «شبه قاره» گفتگوی بیشتری پیش آورده است و همینجاست که خطر و اهمیت مساله زبان در هند نمودار میشود. میدانیم که مردم هندوستان از بازماندگان هشت نژاد گوناگون (ماقبل دراویدی، دراویدی، هندوآریائی، آریائی و دراویدی، سیت و دراویدی، ترک و ایرانی، مفلو، مفلوی و ایرانی) فراهم آمده اند و همین عده، مطابق پژوهشی که در سال ۱۹۳۷ صورت گرفت، به دو یست و سه زبان گوناگون گفتگو میکنند. قانون اساسی هندوستان از میان این زبانها، تنها ۱۴ زبان را برسمیت شناخته است که عبارتند: آسامی، بنگالی، گجراتی، هندی، کندی، کشمیری، مالا یلام، مراتی، اوریای، پنجابی، سنسکریت، تمیل، تلوگو و اردو: (۳) از نظر زبانشناسی میتوان زبانها را بدو دسته زبانهای آریائی (شامل هندی، اردو، مراتی، بنگالی، گجراتی، اوریای و آسامی) و دراویدی (شامل تلگو، تمیل، کنداومالیلام) تقسیم کرد. گذشته از این اختلاف اصولی، در شیوه کتابت این زبانها، حتی آنهائیکه از یک دسته اند، فرقه های بسیار آشکار است. مثلا در حالیکه هندی از چپ براست نوشته میشود، اردو همان روش کتابت عربی را دارد.

هندی یکی از زبانهای «پراکریت» سرزمین هند است و اصلا برای جلوگیری از تفوق زبان اردو بوجود آمد. هندی دوشاخه دارد: هندی خاوری که در نواحی «اود»، «باغل خاند» و «چهاتیسگار» بآن گفتگو

### ۱- The Times March 14 1958

۲- نکته ای که مخالفان کمال زبان هندی از آن بهره برداری «تبلیغاتی» میکنند آنستکه خود پانديت نهر و نخست وزیر هندوستان زبان هندی را بدرستی تکلم نمی کند و انگلیسی را غالبا ترجیح میدهد. همچنین نگاه کنید به

Jawaharlal Nehru, 'An Autobiography' John Lane

Th Bodley Head, London, 1936. p. 33

۳- در ایالت 'پوندی چری'، زبان رسمی فراسه است.

میشود؛ هندی باختری که گویندگان در بخشهای بالائی و میانی در آب گنگ زندگی میکنند. هر دو شاخه از بهم پیوستن چند گویش پدید آمده‌اند، اما ادبیاتی پر دامنه و رنگین و دل‌انگیز دارند. «تولسی داس» از شاعران و نویسندگان هندی خاوری، که در سده یازدهم هجری میزیست شاید بزرگترین سخن‌دانی است که تاکنون هندوستان پرورده است. بزرگران و روستائیان هندی اشعار او را هنگام کار زمزمه میکنند، بی‌آنکه از نام شاعر آگاه باشند. هندی باختری چهار گویش اصلی دارد که بهترین آنها «براج بهاسا» (یابهاشا) نام دارد؛ ادبیات آن بخشی به حماسه و بخشی به نیایش کریشنا مختص است (۱). ظاهراً مهمترین علتی که نظر قانون اساسی هندوستان را در انتخاب هندی بعنوان زبان ملی توجیه میکند آنستکه امروز نزدیک بیست و سوم مردم هندوستان بآن سخن میگویند از عده باقی، ۹۷ میلیون زبانهای دیگر آریائی تکلم می‌کنند (مراتی ۲۷ میلیون، بنگالی ۲۵ میلیون، گجراتی بیش از شانزده میلیون، اردو یازده میلیون، اوریا ۱۳ میلیون و آسامی پنج میلیون). زبان‌شناسان میگویند که برای این عده زبان هندی تا اندازه‌ای مفهوم است، گرچه مثلاً نه بیش از آنچه یک تهرانی لهجه گیلکی را درمی‌یابد. و اما برای گویندگان بزبانهای دراویدی که بالغ بر ۸۸ میلیون نفراند (تلگو ۳۳ میلیون، تمیل ۲۷ میلیون، کندا، ۱۵ میلیون و مالایام ۱۳ میلیون) (۲) زبان هندی یکسره نامفهوم است. گذشته از این نکته، که زبان هندی را برای جمع بسیاری از مردم هندوستان بهمان اندازه انگلیسی بیگانه میسازد، گویندگان بزبانهای بنگالی و تمیل معتقدند که ادبیات زبانهایشان اگر ارزمندتر از ادبیات هندی نباشد بآن برابر است و از اینرو انتخاب رسمی زبان هندی، زبانهایشان را بی پایه پست تری فرو خواهد آورد. بنگالی از شاخه های ماگاوھی پراکریٔ، زبانی است که در ایالت بنگال و کرانه های رود گنگ بآن گفتگو می‌شود. ازدو گویش خاوری و باختری آن، گویش نخستین اهمیت بیشتری دارد. تمیل کهن ترین، پرمایه ترین و پرداخته ترین زبان گروه دراویدی است و علاوه بر آنکه در سیلان جمع بسیاری (نزدیک به یک میلیون نفر) بآن گفتگو میکنند، زبان اصلی ایالت مدرس است

۱- نگاه کنید بدائرة المعارف بریتانیکا ذیل دایره Hindi

۲- ارقام تقریبی است.

۱- آقای «راجا گو پالاجاری» حکمران کل سابق هندوستان پیشنهاد کرده است که هر ناحیه زبانی خاص خود برگزیند.

شماره واژه‌های سنسکریت در آن کمتر از زبانهای دیگر درآویدی است ، تمیل امروزی واژه های سیاسی و قضائی بسیاری از پارسی و عربی نیز بعاریت گرفته است . واما اردو ، امروزه دیگر یکسره رنگ سیاسی بخود گرفته است و از آن کمتر سخن بمیان میآید . در ایالت شمال هستند کسان که اردو را فقط در خانه های خود صحبت میکنند !

چنانکه دیده میشود ، مخالفان سه دلیل بر ضد رسمی شدن زبان هندی برای سراسر هندوستان میآورند : یکی بیگانه بودن آن برای جمع قابل ملاحظه ای از مردم هند . دوم وجود زبانهایی که از نظر غنای لغوی و عمق بیان و سابقه ادبی با هندی برابری توانند کرد . دلیل سوم ، نارسا بودن هندی است که مسأله ای فنی و درخور گفتگوست . البته باید در نظر داشت که بسیاری از مخالفان با اصل از میان برداشتن انگلیسی و جانشین کردن هندی موافق هستند ، اما معتقدند که اینکار را باید بی شتاب و بادقت و تأمل انجام داد .

اما شکل اصولی زبان در هند ربطی به مسائل فنی زبانشناسی ندارد . هندوستان کشوریست که بر پایه تعادل دقیق و پیچیده ای میان اقوام گوناگون آنسرزمین در زمینه های اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی استوار شده است و نگهداشت این تعادل یکی از وظایف اصلی دولت هند بشمار میآید . در گذشته هر قدمی که در راه اعطای امتیاز بیک قوم بزبان اقوام دیگر برداشته شده ، آشوبهای دامنه دار و گاه خونین در پی داشته است . آنچه در گذشته در کشور سیلان رخ داده است ، هشدار است به مردم هندوستان . در آنکشور کوشش برای تحمیل زبان سینهالی براقلیت تمیل همراه باتبلیفات اجتماعی دیگر بنیاد دوستی و همکاری میان افراد این دو جامعه را ، دست کم بطور موقت ، برهم زده است . شك نیست که دوام استعمال زبان انگلیسی شایسته ملت بزرگ هند نیست ، خاصه آنکه یاد آور دوره ننگین سیطره بیگانگانست ، و دیر یازود باید زبانی ملی جای آنرا بگیرد . اما حفظ حرمت زبان ملی باید از هر گونه خشکی و درشتی برکنار باشد ؛ بهتر آن می نماید که در موارد بسیاری بزبانهای مهم محلی مجال خود نمائی داد و زبان رسمی و زبان محلی هر دو را اختیار کرد . امید ما آنست که رهبران فرزانه هندوستان این مشکل بزرگ ملی را حل کنند و قدمی دیگر در راه تحکیم استقلال ملت خویش بردارند .

حمید عنایت